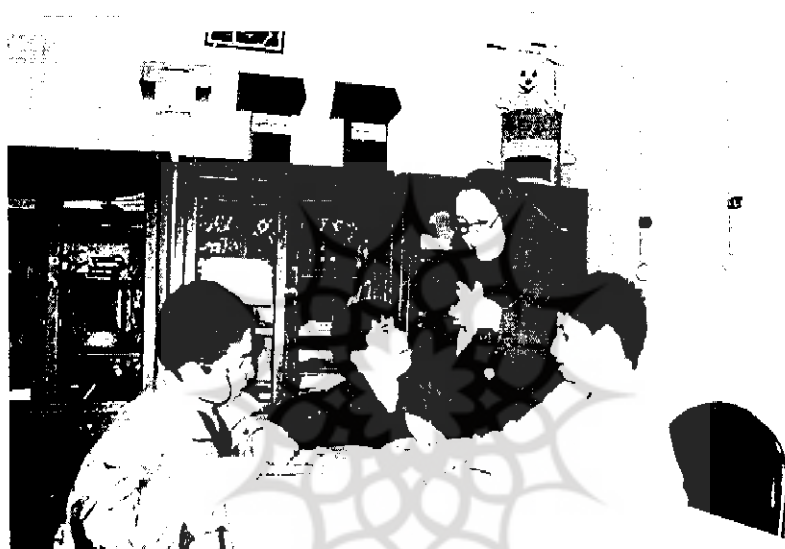


کاربرد قصه‌گویی در درمان مشکلات رفتاری - عاطفی: پرخاشگری

سیده طاهره سیدی

کارشناس ارشد کودکان استثنایی - مرکز خدمات مشاوره‌ای آرمش



مقدمه

قصه با داستان به نوشته‌ای گفته می‌شود که فکر نویسنده در قالب حکایتی به خواننده عرضه شود. خواه داستان جنبه تخیلی و غیر واقعی داشته باشد و خواه واقعیت‌های زندگی را با تخیل مزین کرده باشد (نوراحمر، ۱۳۵۸). ادبیات کودکان ارتباط دهنده کودک با جهان ناشناخته آینده است و در حال حاضر سعی بر آن دارد تا به دور از بند و اندرزهای اخلاقی و شعارهای سیاسی و اجتماعی به کودکان کمک کند تا به تدریج در جهان در حال تغییر پیرامون خود نقش حساس و سازنده‌ای ایفا کنند (حجازی، ۱۳۷۴). زیرا ادبیات داستانی قادر است از نخستین سال‌های زندگی تا اوایلین لحظه‌های حیات، آدمی را در شناخت خود و جهان پیرامونش یاری رساند و تجربه‌های محدود او را وسعت بخشد و گاه پیامدهای آن، چنان است که می‌تواند منجر به تغییر رفتار گردد. (هارکینز، کچ، میچل، ۱۹۹۴). در این مقاله ابتدا به بررسی ویژگی‌های قصه و نکاتی پرداخته می‌شود که بهتر است در قصه‌گویی رعایت شود. سپس انواع قصه‌گویی به همراه تأثیرهای آن در کاهش مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان ذکر می‌شود. در ادامه بحث مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان به ویژه پرخاشگری به طور مختصر بیان می‌شود و در پایان به طور نمونه چند قصه و راهبرد مربوطه ارائه می‌شود.



ویژگی‌های قصه

زمانی که کودک قصه‌ای را می‌خواند، خود را به جای قهرمان آن قصه می‌گذارد بنابراین، یکی از ویژگی‌های قصه باید آن باشد که قهرمان قصه، خواه انسان، خواه پری یا حیوان به تنهایی از شایستگی لازم برای عبور از موانعی که بر سر راه او قرار گرفته برخوردار باشد (وزیری، ۱۳۵۷). حوادث قصه باید مرتبط با یکدیگر باشد و در مخاطب تصویرهای ذهنی قوی ایجاد کند. زبان داستان باید ساده باشد تا کودک قادر به فهم و تقلید از آن گردد. از آنجا که کودکان بیشتر به محسوسات توجه دارند، تمام داستان می‌بایست در باره امور و مسائل محسوس باشد نه امور معقول و معنوی که از تصور آنان به دور است. داستان باید قادر باشد خاطره‌ها، افکار، اطلاعات و تجربه‌های مفید را به کودکان الهام کند و تجربه‌های تازه‌ای در اختیار آنها قرار دهد و سرانجام اینکه داستان باید دارای رنگ عاطفی باشد و هیجان‌های متعددی را در شنونده برانگیزد (شعاری نژاد، ۱۳۷۸).

کودک قصه‌ای را می‌پسندد که در آن معمایی حل شدنی مطرح شده و نیازمند راه حل باشد. مشکلی رفع شدنی یا هدفی دست نیافتنی مطرح شده باشد. در ضمن عنوان نیز در قصه کودکان نقش مهمی را ایفا می‌کند (وزیری، ۱۳۵۷).

قصه‌گویی هنر گوش سپردن را تقویت می‌کند و چنانچه داستانی که برای کودکان نقل می‌شود ارزش شنیدن داشته باشد، آنان مشتاق یادگیری کلیدهایی می‌شوند که نمادها را برای آنها می‌گشایند و معنای می‌کنند. کودک کاملاً با شخصیت‌ها و حوادث مستقل داستان همراه می‌شود و آنها را با دیگر موقعیت‌های زندگی روزمره خود همسان می‌پندارد. شنیدن قصه امکان تصویرسازی را برای کودک فراهم می‌سازد. کودک با شنیدن قصه، صحنه‌ها، اعمال و شخصیت‌های آن را خلق می‌کند. توانایی تجسم و خیالبافی مبنای تصور خلاق است و به نظر می‌رسد این توانایی بر رشد شناختی و اجتماعی کودک تأثیری مثبت دارد (گرین/آدینه پور، ۱۳۷۸).

کاربردها و تأثیرهای داستان

زبان ادبیات در تاریخ فرهنگ جهان به عنوان وسیله‌ای مؤثر و ضروری برای تعامل و تفاهم، تربیت، درمان، پیشرفت و تکامل و

اظهار و ارضای نیازهای روان‌شناختی از ارزش والایی برخوردار است. کودکان و نوجوانان از طریق داستان‌ها و افسانه‌ها با حقایق و تجربه‌های زندگی آشنایی می‌شوند (شعاری نژاد، ۱۳۷۶). داستان‌سرایی به عنوان وسیله تعلیمی می‌تواند دانش آموزان را به کشف معنای منحصر به فرد بودن خود ترغیب کند و توانایی آنها برای برقراری ارتباط واقعی بین افکار و احساس‌ها را افزایش دهد. مهارت‌های کلامی می‌توانند توانایی دانش آموزان برای حل و فصل تعارض بین فردی به صورت آرام، توأم با بحث و گفت‌وگو را افزون سازد. بیان داستان و نیز گوش فرادادن به آن، دانش آموزان را به بهره‌گیری از تخیلاتشان تشویق می‌کند. این تخیل قوی می‌تواند اعتماد به نفس و انگیزش شخصی را در دانش آموزان افزایش دهد زیرا آنان خود را برای نیل به امیال و آرزوهایشان شایسته و توانا تصور می‌کنند. قصه‌ها می‌توانند از نظر تربیت اجتماعی، عاطفی و اخلاقی نیز مؤثر واقع شوند و بسیاری از مقررات و هنجارهای اجتماعی و دستورعمل‌های زندگی را منتقل نمایند. چگونگی رویه رو شدن با مشکل‌ها، حل آنها و بسیاری از الگوهای رفتاری در گروه‌ها و طبقه‌های مختلف اجتماعی و سنی را در داستان‌ها بیان می‌کنند (آشتیانی، ۱۳۷۱). کسب دانش و اطلاعات گوناگون به شیوه‌ای گیرا و غیرمستقیم، تأثیرپذیری از شخصیت‌های قصه، تقویت قدرت فهم و بیان، پرورش خلاقیت، آموزش زبان و افزایش گنجینه واژگان کودکان نیز از دیگر تأثیرهای آموزشی و تربیتی داستان‌سرایی به شمار می‌روند (شعاری نژاد، ۱۳۷۸؛ میرزا بیگی، ۱۳۷۶). داستان‌ها ابزار منحصر به فردی برای درمان هستند و برای افراد تمام گروه‌های سنی به کار می‌روند. در واقع داستان، خلاقیت گسترده‌ای است که با آن هر فردی می‌تواند عقاید به ظاهر نامعقول را بازیابی، آنها را جایگزین و استفاده‌سازنده از آنها را مطرح کند (راشل، ۱۹۹۱؛ به نقل از دواپودی^۱، ۱۹۹۷). بتلهام^۲ (۱۹۷۶) به نقل از دواپودی (۱۹۹۷) نسبت به اهمیت تفسیر محتوای ناخودآگاه داستان‌ها در کار با کودکان هشدار می‌دهد. اگر والدین یا درمانگران قادر به فهم افکار سری کودک یا شناسایی احساس‌های پنهان او (البته قبل از اطلاع کودک از آنها) باشند، هر اندازه تفسیرهای انجام‌شده نیز درست باشند، باز این فرصت از کودک گرفته می‌شود که خود از طریق شنیدن بی‌در پی داستان و تفکر در باره آن به احساس

رویارویی موفقیت آمیز با مشکل خود دست یابد.

شیوه‌های قصه‌گویی

طبق نظر اوکلاندر^۴ (۱۹۸۱). در کار با کودک می‌توان از داستان‌ها به روش‌های مختلف استفاده کرد. گاه می‌توان کودک را به ارایه یک داستان یا نوشتن داستان زندگی ترغیب کرده و گاه درمانگر می‌تواند خودش نقش قصه‌گو را ایفا کرده و داستانی را تعریف نماید (به نقل از دواپودی، ۱۹۹۷). به عنوان نمونه، یکی از موارد کاربرد داستان موقعیت‌داغدیدگی^۵ است. داستان‌گویی در چنین موقعیتی روش مفید و درستی برای تسکین درد و آسیب احتمالی ناشی از داغدیدگی است. داستان‌ها برای انکار فرایندهای سوگ در نظر گرفته نشده‌اند. بلکه برای یاری رساندن به کودکان برای گذر از فرایند مذکور مد نظر قرار می‌گیرد (دواپودی، ۱۹۹۷). یکی دیگر از روش‌های قصه‌گویی بیان گروهی داستان است. قصه‌گویی به مفهوم درمانی آن مستلزم چیزی بیش از بیان ساده داستان است. در این روش کودکان داستانی تازه را خلق و برای گروه بیان می‌کنند. در این داستان‌ها باید بیشتر از عمل شخصیت‌ها، بروی عواطف شخصیت‌ها تأکید شود. نقش معلم، مشاوره با افراد گروه است و در حالی که کودکان داستان را می‌گویند، معلم باید کودکان را برای قرار گرفتن به جای شخصیت‌های داستان و درک چگونگی احساس آنها در شرایط موجود ترغیب کند، رفتار معلم طی این دوره باید مثبت و حمایت‌کننده باشد (نو کامر^۶، ۱۹۹۳). بیان قصه‌ها به صورت گروهی این فرصت را به کودکان می‌دهد تا قصه‌های کودکان دیگر را خوب گوش کنند و با راهبردهای هر کودک در رویارویی با مشکل آشنا شوند. همچنین فرصت بیان احساس‌ها را به شیوه‌ای مطمئن برای کودک فراهم می‌کند.

از دیگر شیوه‌های قصه‌گویی، داستان بی پایان^۷ است. معلم داستان‌های آمیخته با مسائل مربوط به ارزش‌های فردی و اجتماعی را بیان می‌کند یا مسائل هیجانی و اجتماعی را به تصویر می‌کشد اما آنها را به پایان نمی‌رساند. معلم می‌تواند گزینه‌های متعددی را برای پایان داستان پیشنهاد کند و از کودکان بخواهد تا یکی از آنها را انتخاب کنند یا خود به داستان خاتمه بخشد. هدف اصلی معلم در استفاده از این روش استنباط دیدگاه‌های متفاوت کودکان نسبت به

پایان هر داستان و بحث کلاسی در باره مفاهیم هر یک از موارد پیشنهادی است (نو کامر، ۱۹۹۳). تیریزی (۱۳۷۴). نیز از داستان‌های نیمه‌تمام برای تشخیص اختلال‌های عاطفی استفاده کرد و معتقد است پس از بیان داستان نیمه‌تمام و تکمیل آن توسط کودک، درمانگر بایستی داستان را با ارایه راهبرد مناسب و کامل دوباره به شکل دیگری برای کودک مطرح کند. ارایه داستان به شکل‌های گوناگون ذهن کودک را فعال و خلاق می‌کند و به کودک می‌آموزد که در رویارویی با مشکلات تنها به یک راه حل نیندیشد، وی در این زمینه می‌گوید که داستان‌ها را می‌توان بر حسب نیازها و کمبودهای رشدی و روانی کودک خلق کرد تا در صورت بروز ناکامی و بحران، کودک بتواند واکنش مناسبی از خود نشان دهد.

داستان‌سرایی به عنوان وسیله تعلیمی می‌تواند دانش‌آموزان را به کشف معنای منحصر به فرد بودن خود ترغیب کند و توانایی آنها برای برقراری ارتباط واقعی بین افکار و احساس‌ها را افزایش دهد

ریچارد گارنو^۸ از فن داستان‌سرایی دوسویه^۹ در فرایند درمان استفاده می‌کرد. در این روش مشاور ابتدا از کودک می‌خواهد داستانی بگوید. در ضمن مشاور به کودک می‌آموزد که یک داستان باید آغاز، وسط و پایان داشته باشد. همچنین از کودک می‌خواهد تا در پایان داستان نتیجه اخلاقی آن را بگوید. پس از آن مشاور داستانی را با استفاده از موضوع و زمینه مشابه داستان کودک آماده می‌کند که شخصیت‌های اصلی داستان کودک را در بر می‌گیرد. داستان مشاور، پاسخ‌ها و راه‌های بهتری را در همان شرایط پیش پای کودک قرار می‌دهد (تامپسون و رودالف^{۱۰}، ۱۹۹۶).

اکثر موضوع‌های آموزشی، ترمیمی و درمانی را می‌توان با شخصیت‌های حیوانی و انسانی در قصه گنجاند. بهتر است شخصیت‌های قصه تا حدودی هم سن و هم جنس گروه یا فرد مخاطب باشند. در ساختن قصه می‌توان در ابتدا شرایط محدودیت و



کتاب‌های تصویری. درک مفهوم را برای کودک مسیر می‌سازد و همچنین در مورد این کودکان لازم است از حالت‌های چهره و حرکت‌های بدن استفاده بیشتری کرد و داستان را با آهنگی ملایم برای آنان بازگو نمود.

قصه‌گویی برای کودکان با مشکلات رفتاری و عاطفی: پرخاشگری

اکثر افراد به شیوه‌ای سازمان یافته عمل می‌کنند. اما تفاوت‌های گسترده‌ای در انواع سازمان‌دهی رفتاری در افراد وجود دارد به نظر می‌رسد که گروهی از مردم در اکثر اوقات به طور سازنده و کارآمد عمل می‌کنند. کوشش‌های سازگاران آن‌ان واقع بینانه. از لحاظ اجتماعی بارور و از لحاظ شخصی ارضا کننده است. در حالی که افراد دیگر فقط با محدودی دارای شیوه‌های مؤثر در رویارویی با مسائل هستند و به جای صرف انرژی در حل فعالانه مشکل به استفاده از مکانیسم‌ها و رفتارهای دفاعی می‌پردازند (نوابی نژاد، ۱۳۷۵).



اختلال‌های رفتاری، طبقه دیگری از رفتار کودک و نوجوان است. کودکان و نوجوانانی که رفتارشان به این طریق طبقه‌بندی می‌شود از میزان شرارت و شیطنتی که ویژگی گروه سنی آنهاست پارافراتر می‌گذارند. آنها به طور جدی حقوق مسلم دیگران را زیر پا می‌گذارند و یا قوانین عمده اجتماعی را خدشه‌دار می‌کنند. گاهی بسیاری از کودکان و نوجوانان از نظر هیجانی نیز با مشکل روبه‌رو هستند و در معرض افسرده شدن قرار دارند (راتر، ۱۹۸۴).

این کودکان به بیش جنسی تکانشی بودن، پرخاشگری و اضطراب گرایش دارند. سازگاری با موقعیت‌ها یا فعالیت‌های تازه

ناکامی را گنجانند و در ادامه راه‌های رسیدن به شرایط نامطلوب را هم توسط یکی از قهرمان‌های داستان ارایه داد. به عنوان مثال برای کودکی با مشکل نابینایی می‌توان قصه‌ای تعریف کرد که یک شخصیت نابینا طی شرایط زندگی نابینایی خود را می‌پذیرد و از دیگر حواس بدن خود برای زندگی و کسب موفقیت استفاده می‌کند. در این قصه‌ها حتی می‌توان روش‌های رفتار درمانی، مشاوره و روان‌درمانی از جمله همدلی، درک دیدگاه و... را جای داد. درمثالی دیگر برای کودکی که مسوولیت مرتب کردن اسباب بازی‌هایش را نمی‌پذیرد. می‌توان قصه‌ای گفت که در آن کودکی با این شرایط در خواب می‌بیند که تمام اسباب بازی‌هایش اعتراض کردند و از پیش او می‌روند و بعد از بیدار شدن بلافاصله اسباب بازی‌هایش را جمع می‌کند. این شیوه در قصه‌گویی برای تمام کودکان با مشکلات متفاوت قابل استفاده است.

قصه‌گویی برای کودکان با نیازهای ویژه

برای بسیاری از کودکان با نیازهای ویژه، کودکان ناتوان از نظر ذهنی، بینایی، شنوایی، معلول جسمی، دارای بیماری‌های مزمن و اختلال عاطفی نیز می‌توان جلسه‌های قصه‌گویی تشکیل داد فردی که برای این دسته از کودکان قصه می‌گوید باید ویژگی‌هایی برتر از یک قصه‌گوی خوب را داشته باشد. در قصه‌گویی برای کودکان با ناتوانی هوشی باید به این نکته توجه داشت که توانایی خیال‌پردازی آنان کمتر از سایر کودکان است. به طوری که در فهم مفاهیم مجرد با مشکل روبه‌رو هستند. آنها از داستان‌هایی ساده در باره حیوانات و چیزهای شناخته شده لذت می‌برند. در گذشته در انتخاب قصه برای کودکان با ناتوانی‌های یادگیری بر این‌ها توجه و عینیت تأکید می‌شد. اما جریلوجر، معلم کودکان ناتوان، به این نکته پی‌برد که وحدت و یکپارچگی در قصه، طرح شخصیت، هماهنگی بین تصویر و قصه یا هماهنگی بین تصویر و اجرای آن وجود دارد. قصه‌گویی برای کودکان نابینا و نیمه بینا تا حدود زیادی به داستان‌سرایی برای کودکان بینا شباهت دارد. اما از آنجا که حالت‌های چهره و حرکت‌های بدنی به شنوندگان انتقال نمی‌یابد. کیفیت صدای قصه‌گو و واژه‌هایی که بر می‌گزینند بسیار مهم است. داستان‌سرایی برای کودکانی که نقص شنوایی دارند به فنون بسیار خاصی نیازمند است. نمایش‌ها و

برای آنان دشوار است. معمولاً گستره دقت آنان بسیار محدود است و به پاداش‌های آنی نیازمند می‌باشند (گرین / آدینه پور، ۱۳۷۸). پرخاشگری در تعلیم و تربیت از نظر سازگاری فردی و اجتماعی حائز اهمیت است (راس/مهریار و یوسفی، ۱۳۷۶). وسنا، هایت و میلر^{۱۱} (۱۹۹۲). پرخاشگری را رفتاری می‌نامند که با قصد آسیب رساندن به شخص یا اموال اعمال می‌شود و از نظر اجتماعی نیز نامطلوب است. پرخاشگری در برگیرنده تظاهرات مختلفی مانند پرخاشگری کلامی، تهدید، درگیری‌های فیزیکی، دزدی، تجاوز و قتل است (لابروهی^{۱۲}، ۱۹۹۷). به نظر می‌رسد که برای توجیه رفتار پرخاشگرانه دو عامل انگیزه و تلاش برای ترساندن یا آسیب رساندن، به دیگران لازم و ملزوم یکدیگرند (شفر^{۱۳}، ۱۹۹۶؛ رویس و همکاران^{۱۴}، ۱۹۹۸؛ بویستی^{۱۵}، ۱۹۹۰؛ گارملی و برادزینکی^{۱۶}، ۱۹۸۹). عوامل متعددی برافزایش پرخاشگری مؤثرند یکی از این عوامل تأثیرهای فرهنگی و خرده فرهنگی بر پرخاشگری است (شفر).

آموزش حل مسائل بین فردی و آگاه سازی کودکان از پیامدهای پرخاشگری از طریق سرمشق دهی و تشویق، می تواند باعث کاهش پرخاشگری و افزایش رفتارهای جامعه پسندانه شود

۱۹۹۶. یکی دیگر از منابع مؤثر الگوبرداری پرخاشگری برای کودکان، رفتارهای پرخاشگرانه‌ای است که از تلویزیون پخش می‌شود (گارملی و برادزینکی، ۱۹۸۹، الیور^{۱۷}، ۱۹۹۳، درتزکی^{۱۸}، ۱۹۹۶). الگوهای خانواده و روابط بین همسالان نیز در رشد پرخاشگری نقش کلیدی دارد. اکثر پژوهشگران براین عقیده‌اند که طرد همسالان با افزایش پرخاشگری رابطه مثبتی دارد و همچنین باعث کاهش مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی در سال‌های اول دبستان می‌شود. (پتیت^{۱۹}، ۱۹۹۸).

پژوهش‌ها نشان داده است روش‌های متعددی برای درمان

مشکلات هیجانی و رفتاری به ویژه پرخاشگری وجود دارد. فروید معتقد است که پالایش می‌تواند خشم افراد را برای مدت زمان کوتاهی کاهش دهد (مورگان و همکاران^{۲۰}، ۱۹۸۶). همچنین بر مبنای نظریه رفتارگرایی، والدین و مربیان می‌توانند از طریق شناخت تقویت کننده‌ها و سپس حذف آنها، پرخاشگری را کاهش دهند (شفر، ۱۹۹۶). تقویت برخی از هیجان‌ها و احساس‌ها و رفتارهای ناهمساز با خشم و پرخاشگری نیز یکی از روش‌های کنترل پرخاشگری است. به عنوان مثال شخص را وادار کنیم تا لبخند بزند (مورگان و همکاران، ۱۹۸۶). راهبرد دیگر ایجاد وقفه است که در آن بزرگسال، فرد پرخاشگر را از شرایط تقویت کننده پرخاشگری جدا می‌کند (برای مثال فرستادن به اتاق دیگر تا زمانی که به طور مناسبی رفتار کند). پاترسون (۱۹۸۲) به نقل از شفر (۱۹۹۶)، یکی دیگر از روش‌های کنترل پرخاشگری را آموزش والدین کودکان پرخاشگر می‌داند. هارتاپ (۱۹۷۶)، به نقل از چالموز و تاونسند^{۲۱} (۱۹۹۰) معتقد است که مهارت‌های اجتماعی مؤثر می‌تواند نکانه‌های پرخاشگرانه را کنترل کند. نظریه‌های معاصر نیز حاکی از آن است که بین رفتار نوع دوستی^{۲۲}، درک دیدگاه^{۲۳} و همدلی^{۲۴} رابطه وجود دارد (کیل و کاوانگ^{۲۵}، ۲۰۰۰). به عنوان مثال یافته‌های پژوهشی چالموز و تاونسند (۱۹۹۰)، نشان می‌دهد که آموزش‌های درک دیدگاه دیگران برافزایش توانایی حل مسائل بین فردی و کاهش پرخاشگری جوانان بزهکار مفید بوده است. اغلب کودکان برای رسیدن به هدف‌های خود از راه حل‌های مطلوب اجتماعی بهره می‌گیرند. در حالی که کودکان پرخاشگر در تعامل با همسالان کمتر از شیوه‌های جامعه پسندانه استفاده می‌کنند (رویسن و همکاران، ۱۹۹۸). دانش آموزان پرخاشگر ممکن است راهنمایی‌های اجتماعی را اشتباه تفسیر کنند و تمایل‌های خصومت آمیز را به ویژه طی دوره فشار روانی به دیگران نسبت دهند. کمبود مهارت‌های اجتماعی در این دانش آموزان اغلب به کنترل ضعیف تکانه، تحمل اندک ناکامی، توانایی محدود برای تعمیم پاسخ‌های متناوب، فشارهای روانی و بینشی ضعیف نسبت به احساس‌های خود و دیگران مربوط می‌شود (آمرامز و سگال^{۲۶}، ۱۹۹۸). بنابراین آموزش اجتماعی کردن می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مؤثر باشد. چگونگی اندیشه مادر باره شرایط نیز می‌تواند بر نوع عملکردمان تأثیر بگذارد. به همین دلیل یکی از





روش‌های مدیریت پرخاشگری. آموزش استنباط صحیح و واقع‌بینانه از انگیزه رفتار به ویژه رفتارهای مهم است (درتزکی، ۱۹۸۶). همچنین آموزش همدلی به کودکان (برک^{۳۷}، ۱۹۹۴). آموزش حل مسائل بین فردی و آگاه‌سازی کودکان از پیامدهای پرخاشگری از طریق سرمشق‌دهی و تشویق می‌تواند باعث کاهش پرخاشگری و افزایش رفتارهای جامعه‌پسندانه شود (هترینگتون و یادک/طهوریان و همکاران، ۱۳۷۲). کاهش پرخاشگری و پیشگیری از آسیب‌های ناشی از آن از اهمیت خاصی برخوردار است. به‌ویژه اگر برای کاهش پرخاشگری از آن دسته روش‌های درمانی همانند قصه استفاده شود که برای تمام خانواده‌ها قابل دسترس باشد.

پس چنانچه بپذیریم برخی از مسائل کودکان با مشکلات عاطفی و رفتاری ناشی از ضعف آگاهی و عدم استفاده از مهارت‌های اجتماعی، الگوی کلامی صحیح، رفتارهای جامعه‌پسندانه، مهارت‌های ارتباطی و دوست‌یابی، مسوولیت‌پذیری رفتارها و... می‌باشد. پس آموزش این مهارت‌ها به این کودکان ممکن است تا حدی از بروز این مشکلات پیشگیری کند و با توجه به مستندات ارائه شده در مقاله مذکور، ارائه این راهبردها به طور غیرمستقیم به این گروه کودکان می‌تواند مؤثرتر باشد.

در زیر به ارائه چند نمونه از آموزش راهبردهای مهارت‌های اجتماعی با استفاده از داستان همراه با سؤال‌های نیمه سازمان یافته پرداخته می‌شود، که می‌تواند از این سؤال‌ها برای فهم بیشتر مطالب توسط کودک استفاده کنند. این راهبردها به کودکان پرخاشگر کمک می‌کنند تا تمایلات و رفتارهای پرخاشگرانه را در خود مهار کنند.

■ بیوستن به فعالیت‌های دیگر و فعالیت‌های در حال انجام

■ ابراز خشم با لحن آرام

■ ترک صحنه

■ نپذیرفتن تقاضاهای دیگران به شیوه‌ای مؤدبانه

■ یادآوری سومندی و مزایای رفتار مناسب

■ نادیده انگاشتن رفتار نامطلوب دیگران

■ استفاده از جمله‌های تلفیقی

■ همدلی کردن

راهبرد: بیوستن به فعالیت‌های دیگر و فعالیت‌های در حال انجام

داستان:

یک روز مجید برای بازی، خمیر بازی را انتخاب کرد و تصمیم گرفت که یک جنگل درست کند. در کنار او سحر هم با اسباب بازی هایش بازی می‌کرد. بعضی وقت‌ها به خمیر مجید دست می‌زد. بعد از چند بار، مجید عصبانی شد و سحر را زد و دست‌های عروسک او را کند و در آخر هم گریه کرد و داد زد تو حیوان‌های من را خراب کردی. مادر با شنیدن سرو صدا به کنار بچه‌ها آمد و به مجید گفت تو به خاطر خراب شدن حیوان‌هایت از دست خواهرت خیلی عصبانی هستی. بیا با کمک هم دوباره حیوان‌ها را بسازیم. اول مجید قبول نکرد بعد که دید مادر مشغول ساختن حیوان‌ها شده او هم با مادر حیوان‌ها و درخت‌های جنگل را درست کرد. بعد از آماده شدن جنگل، مادر گفت: اگر می‌خواستی به گریه کردن و دعوای با خواهرت ادامه دهی این جنگل زیبا را نداشتی. اما چون دوباره بازیت را ادامه دادی هم از عصبانیت تو کم شد و هم جنگل ات ساخته شد.

سؤال‌های نیمه سازمان یافته

۱- سحر چه کار کرده بود؟

۲- چرا مجید سحر را زد؟

۳- وقتی سحر خمیرهای ساخته شده را خراب کرد مجید چه احساسی داشت؟

۴- مادر وقتی ماجرا را فهمید چه کار کرد؟

۵- در این داستان مادر به مجید چه گفت؟

۶- می‌توانی بگویی در اینجا مادر از چه روشی استفاده کرد؟

۷- می‌توانی چند موقعیت دیگر که بتوان از این روش استفاده کرد را بگویی؟

۸- به نظر تو استفاده از این روش چه کمکی می‌تواند به ما بکند؟

راهبرد: ابراز خشم با لحن آرام

داستان:

حسین با گل یک ماشین فضایی ساخته بود. ماشینش را به برادرش علی نشان داد و برای بازی به کوچه رفت. وقتی حسین از بازی برگشت دید علی ماشین را خراب کرده است. به طرف علی رفت.

نمی گرفت، تازه من می آمدم و با کمک هم مشکل را حل می کردیم.

سؤال های نیمه سازمان یافته

- ۱- در حیطه مدرسه بین سارا و مریم چه اتفاقی افتاد؟
- ۲- نظرت در مورد کار سارا چیه؟ چرا؟
- ۳- خانم احمدی برای اینکه بچه ها کمتر دعوا کنند به آنها چه روشی را یاد داد؟
- ۴- می توانی چند موقعیت دیگر که بتوان از این روش استفاده کرد را بگویی؟
- ۵- به نظر تو استفاده از این روش چه کمکی می تواند به ما بکند؟ راهبرد: نپذیرفتن تقاضاهای دیگران به شیوه ای مؤدبانه

داستان:

فریدون با وجود داشتن اسباب بازی های زیاد و دو چرخه زیبا، هیچ دوستی نداشت. یک روز از پدرش پرسید: چرا هیچ کس با من دوست نمی شود. پدرش توضیح داد: بهتر است ما گاهی اجازه بدهیم که دیگران از بعضی وسایل مثلاً اسباب بازی های ما استفاده کنند البته بعضی وقت ها ما دلمون نمی خواهد و سایلمان را به کسی بدهیم. در این صورت بهتر است مؤدبانه به او بگوییم که نمی توانیم آن وسیله را به او بدهیم. ولی تو برای ندادن اسباب بازی هایت با بچه ها دعوا می کنی. آنها را می زنی و وسایل را پرت می کنی. به خاطر همین هیچ کس دوست ندارد پیش تو بیاید. مثلاً اگر دلت نمی خواهد دو چرخه ات را به کسی بدهی. می توانی مؤدبانه بگویی: می دانم که دلتان می خواهد سوار دو چرخه من شوید. اما متأسفانه من نمی توانم دو چرخه ام را به شما بدهم. اما حاضرم با تو بازی دیگری بکنم و یکی از اسباب بازی هایم را به تو می دهم که بازی کنی.

سؤال های نیمه سازمان یافته

- ۱- چرا فریدون هیچ دوستی نداشت؟
- ۲- وقتی بچه ها به اسباب بازی های فریدون دست می زدند فریدون چه کار می کرد؟
- ۳- پدر در مورد رفتار فریدون چه راه حلی را برای حل مشکلتش

فریاد کشید و مستی به او زد و بین آنها دعوا شد. مادر با شنیدن سرو صدا به اتاق آمد و آنها را جدا کرد. مادر به علی گفت: تو نباید بدون اجازه به وسایل دیگران دست بزنی و به حسین هم گفت: همه ما گاهی از کار دیگران عصبانی می شویم. در این مورد بهتر بود تو به علی توضیح می دادی که رفتارش چقدر تو را عصبانی کرد و اینکه نباید دوباره این کار را تکرار کند. این طوری علی بهتر متوجه رفتار بدش می شود وقتی تو او را کتک بزنی او هم بیشتر لیج بازی می کند و کار خراب تری می شود.

سؤال های نیمه سازمان یافته

- ۱- حسین چه وسیله ای برای بازی درست کرده بود؟
- ۲- حسین وقتی دید وسیله بازی اش خراب شده چه احساسی پیدا کرد؟
- ۳- چرا حسین از دست علی عصبانی شده بود؟
- ۴- وقتی حسین عصبانی بود مادرش چه کمکی به او کرد؟
- ۵- آیا تا به حال برای تو هم چنین اتفاقی افتاده است؟ تو چه حالی داشتی؟ چه کار کردی؟
- ۶- می توانی چند موقعیت دیگر که بتوان از این روش استفاده کرد را بگویی؟
- ۷- به نظر تو استفاده از این روش چه کمکی می تواند به ما بکند؟ راهبرد: ترک صحنه

داستان:

یک روز سارا در حیطه مدرسه با دوستانش لی لی بازی می کردند که با مریم دعوا پیش شد. سارا داد زد: تو بازی بلد نیستی. پایت رفت روی خط و مریم را هل داد. مریم هم عصبانی شد و موی سارا را کشید. در این هنگام خانم احمدی بچه ها را از هم جدا کرد و پرسید: آیا با دعواایی که شما کردید مشکلاتان حل شد؟ یک وقت هایی مثل الان که دعواتان می شود. شما می توانید از روش ترک موقعیت استفاده کنید. برای مثال اگر شما دونفر موقعی که عصبانی شدید هر کدامتان بازی را رها می کردید و می آمدید پیش من. آن وقت هم دعوا نمی شد و هم بدنتان درد





پیشنهاد کرد؟

۴- تو می توانی چند موقعیت دیگر که بتوان از این روش استفاده کرد را بگویی؟ می توانی چند جمله مؤدبانه دیگر را بگویی؟

۵- به نظر تو استفاده از این روش چه کمکی می تواند به ما بکند؟

راهبرد: یادآوری سומندی و مزایای رفتار مناسب

داستان:

امروز دوشنبه مثل هفته های قبل سعید آماده شده و منتظر پدر است تا به پارک بروند. اما امروز پدر دیر کرده. سعید هم عصبانی می شود و فریاد می زند: چرا پدر دیر کرده. پاهایش را به زمین می کوبد و داد و فریاد می کند که چرا پدر بد قولی کرده است. مادر گفت تو حالا ناراحت هستی، ولی می دانی که یکی از راههای کنترل عصبانیت صبر کردن است. سعید تو وقتی عصبانی می شوی پدرت زودتر می آید؟ تازه سر درد هم می گیری و نمی توانی بازی کنی اما اگر صبر کنی و فکر کنی که شاید پدر کاری برایش پیش آمده آن وقت کمتر عصبانی می شوی. در نتیجه سر درد هم نمی گیری و می توانی کارهای دیگری انجام دهی. تو فکر می کنی کدام راه را انتخاب کنی بهتر است. بعد از کمی فکر کردن سعید رفت برنامه کودک را ببیند.

آمد. صورتش کثیف. لباسش پاره و دفتر و کتابش به هم ریخته بودو علی. یکی از شاگردان کلاس علت گریه اش را پرسید. مسعود گفت: هر روز صبح عده ای از شاگردان در ماشین مرا مسخره می کنند. من هم داد می زوم و به آنها فحش می دهم. و وقتی آنها دوباره به من می خندند من با آنها دعوا می کنم و این وضع برایم پیش می آید. علی گفت: به نظر من تو باید یاد بگیری با آنها چگونه برخورد کنی. نه اینکه با آنها درگیر شوی. می توانی از سلاح پنهانی نادیده گرفتن استفاده کنی. یعنی اگر شاگردی به تو توهین کرد سرت را برگردانی و به او توجهی نکنی. بعد از چند روز مسعود خوشحال به مدرسه آمد.

سؤال های نیمه سازمان یافته

- ۱- چرا مسعود هر روز گریه کنان به مدرسه می آمد؟
- ۲- وقتی بچه ها مسعود را مسخره می کردند مسعود چه حالی می شد؟
- ۳- وقتی بچه ها مسعود را مسخره می کردند مسعود چه کارهایی می کرد؟
- ۴- علی چه سلاخی را به مسعود نشان داد؟
- ۵- تو می دانی نادیده انگاشتن به چه شکل های دیگری است؟
- ۶- می توانی چند موقعیت دیگر که بتوان از این روش استفاده کرد را بگویی؟

راهبرد: استفاده از جمله های تلقینی

داستان:

چند ساعتی طول کشید تا احمد با استفاده از کتاب کار دستی اش یک هواپیما درست کرد. احمد رفت تا هواپیمایش را به مادرش نشان دهد. مادر که سرگرم صحبت کردن با تلفن بود توجهی نکرد. احمد با ناراحتی به طرف خواهرش رفت اما او هم که در حال خواندن کتاب بود بای میلی گفت: هواپیمایت را دیدم. احمد بیشتر عصبانی شد و با خودش فکر کرد که آن را به پدر و برادرش نشان دهد. اما آنها هم که مشغول تماشای فیلم سینمایی بودند سرش داد زدند. احمد با هواپیمای فشنگی که هیچ کس به آن توجهی نکرده بود با عصبانیت به طرف اتاقش رفت و شروع به گریه کرد. کتاب و کار دستی اش را پاره کرد و در حالی که پاهایش را به زمین می کوبید یاد حرف های خانم مجری برنامه کودک افتاد که می گفت. بعضی وقت ها آدم یک کارهای خوبی انجام می دهد ولی هیچ کسی به آن توجه نمی کند. در این هنگام آدم

سؤال های نیمه سازمان یافته

- ۱- چرا سعید دوشنبه ها را دوست داشت؟
- ۲- وقتی پدر دیر کرد سعید چه حالی داشت؟
- ۳- چرا سعید عصبانی شده بود؟
- ۴- وقتی سعید عصبانی شد مادر به سعید چه کمکی کرد؟
- ۵- سعید کدام راه را انتخاب کرد؟
- ۶- می توانی چند موقعیت دیگر که بتوان از این روش استفاده کرد را بگویی؟
- ۷- به نظر تو استفاده از این روش چه کمکی می تواند به ما کند؟

راهبرد: نادیده انگاشتن رفتار ناطلوب دیگران

داستان:

مسعود امروز صبح هم مانند هر روز با گریه شدیدتری به مدرسه

خیلی عصبانی می شود و خوبه به خودش بگوید: درسته که کسی به کار من توجه نکرده ولی من سعی می کنم خون سرد باشم. من به خودم تبریک می گویم که این کار زیارا انجام دادم. من عصبانی نمی شوم. من با خودم قرار می گذارم که موقع عصبانی شدن بروم جلوی آینه و بخندم. بعد احمد رفت جلوی آینه و شروع به خندیدن کرد و بعد احساس کرد که دیگر عصبانی نیست.

حالی داشت؟

۲- وقتی احمد از خانواده اش ناراحت شد چه کار کرد؟

۳- آیا تا به حال برای توهم این اتفاق افتاده؟ تو چه حالی داشتی؟

۴- خانم مجری در برنامه کودک چه گفته بود؟

۵- وقتی احمد. به حرف های خانم مجری عمل کرد چه

احساسی داشت؟

۶- تو می توانی چند موقعیت دیگر که بتوان از این روش استفاده

کرد را مثال بزنی؟

۷- به نظر تو استفاده از این روش چه کمکی می تواند به ما بکند؟

سؤال های نیمه سازمان یافته

۱- وقتی خانواده احمد به کار دستنی او توجه نکردند احمد چه

زیر نویس

- 1-Harkins, Koch & Michel 2-Dwivedi 3-Bettelheim 4-Oaklander 5-bereavement situation
6-New Comer 7-open-ended story 8-Richard Gardener 9-mutual story-telling technique
10-Thompson & Rudolph 11-Vasta /Haith/ Miller 12-Loeber/ Hay 13-Shaffer 14-Rubin/Hosting/Chen/Stewart/Mchichol
15-Beaty 16-Gormly/ Brodzinky 17-Oliver 18-Dworetzky 19-Petit 20-Morgan/King/weiaz 21-Townsend/chalmers
22-Altruism 23-perspective 24-empathy 25-kail/Cavanugh 26-Abrams/Segal 27-Berk

منابع

- آشتیانی، ملیحه (۱۳۷۱). نقش تربیتی قصه. سمینار آرایه یافته های پژوهشی حوزه علوم تربیتی وزارت آموزش و پرورش. دبیرخانه شورای تحقیقات - پلوسیکسی، آنا. (۱۳۷۶). قصه گویی در خانه و خانواده. (مصطفی رحمانلو، مترجم). تهران: انتشارات مدرسه.
- تبریزی، مصطفی (۱۳۷۲). داستان گویی برای شناخت و درمان. مجله زنان، شماره ۲۳.
- حجازی، بنفشه (۱۳۷۴). ادبیات کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات روشنگران.
- راس، آلن. (۱۳۷۸). اختلال های روانی کودکان. رویکردی رفتاری به نظریه ها - پژوهش درمان. (امیر هوشنگ مهربار، فریده یوسفی، مترجمان)
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۸). ادبیات کودکان. تهران: انتشارات اطلاعات
- کریم، زین (۱۳۷۸). هنر و فن قصه گویی (طاهره آدینه پور، مترجم). تهران: انتشارات ابجد.
- میرزاییکی، علی (۱۳۷۶). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان. تهران: انتشارات مدرسه.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶). ادبیات داستانی (قصه، داستان کوتاه، رمان). مؤسسه فرهنگی معاصر.
- نوراحمر، تریا (۱۳۵۸). قصه ها و افسانه های ایرانی از دیدگاه تعلیم و تربیت و پایان نامه کارشناسی ارشد. صدر حاج سید جواد، مدرسه عالی شمیران
- وزیر، دوس (۱۳۵۷). معیارهای سنجش اول قصه کودکان. ماهنامه آموزش و پرورش، دوره چهل و هفت، شماره ۷.
- هنر نیگسون، ای میریس، پارک، اس دی (۱۳۷۳). روان شناسی کودک از دیدگاه معاصر. (جواد ظهوریان و همکاران، مترجمان). تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، جلد ۲.

- Abrams, Briao j, segal, Amiel (1998). How to prevment aggressive behavior. The council for exceptional children. MaRIAPR, pp, 10-14.
- Beaty, janice j. (1990). Obsereing Development of the young child. Singapoe: Merrill publishing compony an imprint of Macmillan
- Chalmers ,laura E.(1999). Child development . united states of America: Auyn and Bacon
- Dwivedi , kedar math.(1997). The therapeutic use of stories . london: Routedge. Dworetzky , gohnp.(1996). Introduction to child Development . newyork: west publishing compary
- Gormly , Anne v. , Brodzinsky , Davidm. (1989). Lifespan human developmeul. Mewyork: Holt, Rinehart and winston , Inc
- Harkins, Debra A. , kch , patrice E , michel. Georyef (1994). Listening to Mater and story telling Affects Narrative skill of 5 year -old children the journal of Gentie psychology . uol. 155, No(2) , 24y -25y
- Kail , Robert v. cavanaugh . john c. (2000). Human Development: Alifspan view . printed in the united states of America . stamford
- Loeber, Rolf , Hay , Dale (1997). Key issues in the development of aggression and violence from childhood to early adulthood . Annual reueiv of psychology . vol . 48, 371-410
- Morgan , clifford H . , king Richard A. weisz john R. schopler john .(1986). Introduction to psychology singapore: Me Graw -Hill Book company
- New comer L. phyllis. (1993). Undrestanding and teaching emotionally disturoed children and adolescents. USA: PRO . ed , Inc
- Oliver , Robert w. (1993). Psychology and Health care . London : Baillieve tindall.
- Petit , Gregory s. (1997). The developmental course of violence and aggression . The psychiatric clines of North Americ ar vol. 2, (2) 283
- Rubin . kenneth , Hastings , paul , chen , xingin , stewart shanon. Menichol , kevin. (1998). Intrapersonal and Maternal correlates of Aggression , conflict and Deelopment vol . 67(6) , 1614-1629 - shaffer , David R. (1996).
- Developmental psychology childhood and adolescence - Newyork : Brooks , cole publising company , F T P .
- Thompson , charlesl , Rudolph , linda B. (1996). Coun seliuy children . New york: Brooks . cole publishing company . F T P
-vasta, Ross, Haith , Marshal, Miller , scott.(1992) child psychology. Canada: Toronto: von Hoffmann press Inc john wiley sons.

